

ارزیابی تحلیلی مؤلفه‌های معنایی جنگ اراده‌ها در قرآن کریم با تکیه بر روابط مفهومی

رحمان عشریه*

تأیید: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۲

چکیده

امروزه در ساحت نبردهای تمدنی و بین‌المللی، ابعاد جنگ نرم نقش پررنگ‌تری نسبت به ابعاد سخت آن پیدا کرده است. سطح گسترده رویارویی جامعه اسلامی در این سنخ از نبردها که با عنوان جنگ اراده‌ها نیز از آن تعبیر می‌شود، پژوهش‌گر را بر این وامی‌دارد که در این عرصه نوین به بررسی تعریف قرآن کریم از جنگ اراده‌ها بپردازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، جایگاه جنگ اراده‌ها و راهبردهای قرآنی آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و سپس روابط مفهومی این واژه در محور هم‌نشینی و جانشینی که در بستر منازعات جبهه اسلام و کفر به کار رفته‌اند، معرفی و مؤلفه‌یابی شده‌اند. در این مسیر، واژگانی چون ایمان، توکل، صبر، ارتقاب، اعداد، به عنوان راهبردهای قرآنی در جنگ اراده‌ها و به عنوان نقطه کانونی قوت و قدرت مؤمنین در این زمینه مورد تأکید قرار گرفته‌اند و در محور جانشینی، واژگان عزم و همت در تکمیل نگاه راهبردی قرآن کریم به ابعاد جنگ نرم در منازعات استنباط شده است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، جنگ اراده‌ها، روابط مفهومی، مؤلفه‌های معنایی

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم: oshryeh@quran.ac.ir

مقدمه

با ظهور پدیده عظیم انقلاب اسلامی و روشن شدن نقش بی بدیل آن در نابودی هیمنه تمدنی جهان ظلم، مستکبران با تمام قوا بر مقابله همه‌جانبه با این انقلاب تمدنی همّت گذاشتند. نکته حائز اهمیت در این مسأله این است که نقطه ثقل جنگ دشمن علیه انقلاب اسلامی، نه در میدان جنگ سخت، بلکه در عرصه جنگ نرم است. بنا به تعریفی که از بیانات مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) به دست آمده است، جنگ نرم عبارت است از جنگ اراده‌ها و عزم‌ها؛ جنگی که با تهاجم به اعتقادات و ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی به دنبال ایجاد تردید و ناامیدی در دل‌های مردم یک کشور، استحاله فرهنگی و در نهایت به دنباله آن تغییر نظام سیاسی است (حسینی، ۱۳۹۱، ش ۵، ص ۴۸). بدین بیان روشن است که واژه جنگ اراده‌ها در نظام فکری مقام معظم رهبری از جایگاه بسیار ویژه و بسزایی برخوردار است. با این وصف، بررسی آموزه‌های قرآنی در این زمینه به طور حتم از ضرورت‌های مورد نیاز نظام اسلامی برای وظایف خود در عرصه جنگ نرم است. برای گام‌نهادن در این مسیر، دست‌یافتن به تعریفی قرآنی از جنگ اراده‌ها بر اساس روش‌های نوین در عرصه معناشناسی کلمات قرآنی در نوشتار پیش رو مطمح نظر قرار گرفته است.

برای این هدف، پس از تبیین مفاهیم مقاله، چند قدم مشخص طی می‌شود. قدم اول، معناشناسی واژگان اراده از حیث وضع لغوی و استعمالات است. قدم دوم که بخش عمده نوشتار پیش رو را در بر می‌گیرد، ردیابی مؤلفه‌های معنایی مرتبط با مفهوم جنگ اراده‌ها در ساحت روابط مفهومی واژگان اراده در دو محور روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی است. مرحله پایانی، ارائه تعریفی قرآنی از جنگ اراده‌ها با توجه به مؤلفه‌ها و لوازم آن در قرآن کریم است.

مفاهیم پژوهش

در این بخش مفاهیم تحقیق مورد ارزیابی معنایی قرار گرفته است.

جنگ اراده‌ها

در قرن کنونی با گسترش حیطه‌های نفوذ فناوری اطلاعات در زندگی بشر، عرصه‌هایی نوین از تقابلات و منازعات در ساحت تمدنی و بین‌المللی شکل گرفته که در گذشته هیچ‌گاه به گستردگی فعلی وجود نداشته است. می‌توان ادعا نمود که ابداع اصطلاح جنگ نرم^۱ در حقیقت انتزاعی است، از آن‌چه جهان غرب در دهه‌های اخیر به عنوان ابزاری برای غلبه و سلطه بر جهان بشریت استفاده نموده است. جان کالینز^۲ جنگ نرم را این چنین تعریف می‌کند:

استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی اجراکننده می‌شود (انگوتی، ۱۳۹۶، ص ۱۲).

از نکات حائز اهمیت در این تعریف عبارت «نفوذ در مختصات فکری دشمن» است. به هر ترتیب، آن‌چه راهبرد اصلی در این جنگ قلمداد شده است، تأثیرگذاری بر اندیشه‌هاست. به بیانی در این جنگ نقطه کانونی تصمیم‌گیری و عزیمت‌های بزرگ را نشانه می‌رود و سعی می‌کند با اختلال در این پایگاه فرماندهی عزم و اراده‌ها را سست کند. بنا به این نکته است که عرصه جنگ را جنگ اراده‌ها نیز می‌نامند. به تعبیر مقام معظم رهبری، در بیانات متعددی از تعبیر جنگ اراده‌ها و جنگ عزم‌ها و همت‌ها استفاده نموده‌اند. این تعبیر در حقیقت برآمده از نقش کانونی عزم و اراده بشری در جنگی است که دشمن تغییر محاسبات فکری را راهبرد پیروزی خود قرار داده است. به عنوان نمونه، ایشان که خود از نظریه‌پردازان بزرگ جهان امروز قلمداد می‌شوند، در جمع مسئولین نظام جمهوری اسلامی چنین می‌فرمایند:

در عرصه‌های گوناگون جهانی، درگیری‌ها غالباً جنگ اراده‌ها است؛ هر طرفی که اراده‌اش زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

این تعبیر در حقیقت حاکی از قرارگرفتن در تقابلی است که عمدتاً دستگاه محاسبه و تصمیم‌گیری انسان‌ها و حاکمیت‌ها را هدف آتش خود قرار می‌دهد. در ادامه نوشتار

پیش رو، بر اساس روش‌های معناشناسی نوین سعی می‌شود آنچه در قرآن کریم به عنوان مختصات جنگ نرم و جنگ اراده مطرح می‌شود، در قالب یک دستگاه روابط مفهومی ارائه گردد.

معناشناسی

در ابتدا باید علم معناشناسی را به طور مختصر معرفی نمود. علم معناشناسی (sematic) یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که از ابتدای قرن بیستم در مطالعات آکادمیک مطرح شده است. به بیان خلاصه، این دانش به بررسی علمی معنا می‌پردازد و از این رو، می‌توان آن را «دانش معنا» نام نهاد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۴). به بیان شعیری، این رشته از علم معناشناسی برای بازکردن بن‌بست‌هایی که در شناخت معانی پیش می‌آید، تأسیس شده است. در واقع این علم می‌خواهد بن‌بست‌های زبانی را از بین ببرد (بنادکی، ۱۳۸۷).

روابط مفهومی

در توضیح جایگاه روابط مفهومی در معناشناسی باید گفت که بنا به نوشته‌های موجود در این علم، امروزه در معناشناسی توجه به روابط مفهومی واژگان با یکدیگر از اهمیت بسزایی برخوردار است. دانشمندان معتقدند برای دست‌یابی به شناختی دقیق از معنای یک واژه، باید آن را با توجه به روابط درونی میان عناصر زبان مورد بررسی قرار داد (باقری، ۱۳۷۴، ص ۲۹۶). در واقع در معناشناسی هر واژه‌ای این نکته قابل توجه است که آن کلمه با یک سری از واژه‌ها دارای روابط مفهومی است. در یک سری از عناصر معنایی مشترک است و در بعضی از آن‌ها متمایز (صفوی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۰). در یک تقسیم‌بندی شناخته‌شده، روابط مفهومی کلمات در یک متن به دو دسته روابط هم‌نشینی و جانشینی تقسیم می‌شوند. روابط هم‌نشینی عبارت است از ارتباطی که میان کلمات در زنجیره یک کلام و جمله برقرار می‌شود (بی‌یرویش، ۱۳۷۴، ص ۳۱). در مورد روابط جانشینی باید گفت که به بیانی نوعی از روابط اجزای غایب پیام با اجزای

موجود است که با اصطلاح تقابل نیز توضیح داده می‌شود. در این محور، اجزایی قرار می‌گیرند که نبود آن‌ها ملازم شده است با وجود جزئی که موجود است. به عنوان مثال، در جمله «به مدرسه برو» می‌توان واژه خانه را در نظر گرفت که قابلیت استفاده از آن در این ترکیب وجود داشت؛ چراکه آن هم دلالت بر یک مکانی دارد که می‌تواند مقصد رفت و آمدها باشد، اما وجود غایب این واژه باعث شده است که واژه مدرسه در این جمله معنا پیدا کند (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷). در ادامه باید خاطر نشان ساخت که برای ذکر کلمات هم‌نشین و جانشین در نوشتار پیش رو سعی گردیده است مرتبط‌ترین کلمات با تعریف مذکور بررسی شود، اما به هر حال، این تعریف یک تعریف عقلی نیست و ممکن است سلیقه و تشخیص پیشینی نویسنده نیز در آن دخیل شده باشد.

اراده

این واژه در جایگاه‌های مختلف از جمله در علم کلام و اصول فقه در کنار واژه طلب قرار گرفته و بررسی می‌شود. در نوشتار پیش رو ابتدا تبیین لغوی این واژه مورد اهتمام است تا از این طریق مؤلفه‌های ممیزه این واژگان به دست آید. اراده بر خلاف گمان بعضی از دانشمندان، از ریشه «رود» است؛ زیرا بنا به قواعد مطرح در علم صرف، وقتی این کلمه در ساخت‌های مختلف قرار می‌گیرد، حرف واو را ظاهر می‌کند و نه حرف یا را. به عنوان مثال، در باب مفاعله از این ریشه واژه «مراده» ساخته می‌شود. در توضیح معنای این ریشه از واژه «راند» استفاده می‌شود. این واژه در مورد کسی که برای یافتن چراگاه و مرتع می‌رود، در یک اصل به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۶۴ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۸۷). کلمه اراده در یک بیان ساده به طلب و اختیار معنا شده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۵). راغب توضیح بیش‌تری در باره واژه اراده ارائه داده است. به بیان او اراده حاکی از قوه‌ای است که از خواسته‌های نفسانی نیازها و آرزوهاست. اراده عبارت است از کشش نفس به یک شیء‌ای که باید انجام شود یا نباید انجام شود و البته گاهی در مورد حکمی که برخاسته از این کشش نفسانی است، به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۷۲). نکته پررنگ در

توضیح راغب، تمرکز واژه اراده بر کشش نفسانی است که منجر به خواستن می‌شود. از همین توضیح می‌توان به بررسی‌های استظهاری واژه اراده در علم اصول نیز اشاره نمود. در علم اصول با تقسیم خواستن به خواستن حقیقی و انشایی گفته می‌شود که طلب حقیقی خواسته‌ای است که در نفس شکل می‌گیرد و طلب انشایی همان حکمی است که برای درخواست چیزی از گوینده صادر می‌شود. صاحب کفایه تأکید می‌کند که استعمال واژه اراده به صورت مطلق، ظاهر در خواسته حقیقی است. به عبارت دیگر، این واژه، اگر به تنهایی به کار رود، دلالت بر خواسته و کششی که در نفس شکل می‌گیرد دارد. صاحب کفایه تصریح می‌کنند که شکل‌گیری این ظهور بر پایه کثرت استعمال واژه اراده بر این معناست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۴). پس از بیان معنای وضعی لغوی این واژه از کتب لغت و ذکر توضیح راغب، نکته اخیر مسیر ساخت معنای این واژه را تا مرحله معنای استظهاری این واژه پیش می‌برد. تا این وهله در مورد واژه اراده می‌توان گفت که از حیث منشأ مؤلفه اصلی آن، نفسانی بودن خواسته است. بررسی سایر مؤلفه‌های این واژه در شواهد قرآنی پیگیری می‌شود. مشتقات ریشه «رود» ۱۴۸ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است.

روابط جانشینی

در این بخش مؤلفه‌های واژگان جانشین اراده مورد ارزیابی مفهومی قرار می‌گیرد.

عزم

عزم از واژگان قرآنی است که دارای معنایی نزدیک و مشابه با واژه اراده بوده در محور جانشینی با این در قرآن کریم رابطه مفهومی یافته است. عزم را به تنهایی به معنای تلاش و جدیت معنا کرده‌اند و عزم بر کاری را اراده بر آن امر که همراه با تلاش باشد، گفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۹۹). به بیان دیگری که در کتب لغت موجود است، عزم در حقیقت حاکی از گره‌ای در قلب شخص است که نسبت به انجام‌دادن یک فعل در نفس او شکل می‌گیرد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۳ و

راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۶۵). این واژه در ۹ آیه از آیات قرآن کریم به کار رفته است. کاربردهای قرآنی این واژه را می‌توان در چهار مورد نمایه زد: ۱. تقسیم انبیا به انبیای دارای عزم با استفاده از تعبیر «اولوالعزم من الرسل»؛ ۲. استفاده از تعبیر «عزم الامور» که به بیان بعضی مفسرین در مورد اموری است که شایسته است انسان نسبت به آن مصمم و جدی عمل کند. یا این‌که این تعبیر حکایت از اهمیت و جدیت آن امر دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۴۶۴)؛ ۳. استفاده از عزم در امور فردی و ارتباط میان افراد و ۴. کاربرد واژه عزم در تصمیمات حاکمیتی پیامبر. به هر حال، باید گفت استعمالات این کلمه دارای یک یا چند کاربرد از کاربردهای مذکور است.

جدا از این‌که هر کدام از کاربردهای مذکور در معناشناسی واژه عزم و مؤلفه‌های معنایی آن به طور خاص کارکردی دارد، اما آنچه در شناخت روابط مفهومی واژگان اراده در بستر منازعات نرم جامعه اسلامی کاربرد دارد، بیش‌تر از همه مورد چهارم است. مصداق مورد چهارم، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! که در ادامه به مناسبت هم‌نشینی واژه توکل و عزم بیان می‌گردد. در این بند باید تأکید کرد که به بیان قرآن، اراده‌ای که در تصمیمات حاکمیتی در کنار توکل قرار می‌گیرد، اراده‌ای است که انتقال معنای جدیت و تلاش نیز در آن مد نظر بوده است. در واقع به صرف کلمه خواستن راهبرد قرآنی مبنی بر توکل بر خدا برای پیروزی در جنگ اراده‌ها ترسیم نمی‌شود، بلکه آنچه باید مورد تأکید قرار گیرد، اراده‌ای است که جدیت و کوشش نیز به همراه دارد. این محتوا از نقش توکل در جنگ اراده‌ها که از هم‌نشینی آن با واژه عزم قابل استنباط است، در کلمات مقام معظم رهبری نیز در همین بستر وجود دارد. ایشان پس از بیان منازعه اراده‌های در جهان امروز، از نقش توکل و صبر در پیروزی سخن گفته و تأکید می‌کنند که توکل به معنای نشستن و نتیجه خواستن نیست، بلکه به معنای تکمیل کار و درخواست نتیجه از خداست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). در این بیان، مفهوم توکل روشن شده است. از طرفی بیان گردید که از مفهوم‌های تأثیرگذار در فهم مفهوم قرآنی اراده در بستری که منازعات میان

مسلمانان و دشمنان شکل گرفته است، مفهوم توکل است. با این توصیف معلوم می‌شود که خدای متعال از عزم بر کاری در جامعه اسلامی توکلی را هم که به معنای تکمیل کار و درخواست از خدای متعال است، قصد داشته.

همت

در قرآن کریم واژه همت کلمه‌ای است که در رابطه مفهومی جانشینی با نسبت به واژه اراده قرار گرفته است. همت داشتن نسبت به یک چیز به معنای قصد و عزم نسبت به آن معنا می‌گردد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۶۰). این واژه از این جهت که به معنای اراده و خواست به کار می‌رود، در زمره جانشینان کلمه عزم و اراده ذکر می‌گردد. واژه همت و مشتقات آن در ۸ آیه از آیات قرآن کریم به کار رفته است. در همه این موارد نیز به معنای مذکور؛ یعنی قصد و اراده بر انجام امری استعمال شده است. نکته جالب توجه آن است که در تمام موارد، واژه همت در شرح اراده‌های سوء و غلط به کار رفته است. از این میان، ۳ مورد حاکی از اراده دشمنان علیه پیامبران الهی و رسول گرامی اسلام است و ۴ مرتبه در مورد اراده سوء منافقان است. ۱ مورد از کاربردها نیز در داستان حضرت یوسف و اراده ایشان بر اجابت زلیخا در صورت عدم مشاهده برهان الهی است. با این اوصاف؛ اگرچه این واژه در رابطه جانشینی با کلمه اراده قرار می‌گیرد، اما مؤلفه‌ای که در آن جلوه یافته است، ناپسندی متعلق اراده است.

روابط هم‌نشینی

در این بخش مؤلفه‌های واژگان هم‌نشین اراده مورد ارزیابی مفهومی قرار می‌گیرد.

توکل

توکل از ریشه (وکل) در زمره پرکاربردترین معانی به کار رفته در قرآن کریم است. ابن سیده سه واژه «وَكَلَّ» «تَوَكَّلَ» و «اتَّكَلَّ» را به معنای سپردن و تسلیم نمودن چیزی به دیگری می‌داند (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۱۴۳). فیروزآبادی نیز این معنا را ذکر

نموده و علاوه بر آن، از واژه ترک و رهاکردن نیز برای توضیح خود از عبارت «وَكَلَّ» الیه الأمر» استفاده نموده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۶۳۶). این ریشه در بیش از ۶۰ آیه در قرآن کریم به کار رفته است. بخش قابل توجهی از کاربردهای مذکور در باب منازعات و تقابلاتی است که میان مؤمنین و دشمنان ایشان رخ داده است؛ چه دشمنان داخلی و چه دشمنان خارجی. در این آیات، کلید توکل به واسطه اسلوب‌های مخصوص امر در زبان عربی مورد فرمان الهی قرار گرفته است. در آیه ۱۲۲ سوره آل عمران آمده است:

«إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛
 (و نیز به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه باز گردند) و خداوند پشتیبان آن‌ها بود (و به آن‌ها کمک کرد که از این فکر باز گردند) و افراد باایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند!

خدای متعال به اراده بعضی از مؤمنین برای سست شدن اشاره نموده و در ادامه به صراحت تذکر داده شده است که خدا یار و پشتیبان شما مؤمنین است و باید بر خدا توکل کنید. به طور واضحی در این آیه شریفه با اشاره به یک نکته اعتقادی؛ یعنی ولایت خدای متعال بر مؤمنین، به آن‌ها دستور می‌دهد برای سست نشدن اراده، به خدا توکل کنند. این هم‌نشینی میان واژگان اراده و توکل در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران که در نکات پیش گفته اشاره شده نیز تکرار شده است. در این آیه پس از دستور به مشورت با مؤمنین در امور دستور می‌دهد که پس از آن که تصمیم ایشان بر امری شکل گرفت، بر خدا توکل کند. در آیه بعد به علت لزوم توکل بر خدا اشاره می‌شود که اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما مؤمنین پیروز نمی‌شود و اگر او شما را وا گذارد و رها کند، دیگر کسی برای یاری مؤمنین نیست. استفاده از مشتقات واژه توکل در بستر آیاتی که مربوط به برخوردها و منازعاتی که میان مؤمنین و دشمنان رخ می‌دهد، در حدود ده آیه دیگر نیز تکرار شده است. باید توجه داشت که برخوردهای مذکور همگی مربوط به حیطه جنگ سخت و نظامی نیستند. به عنوان مثال، آیه ۱۲۲ سوره آل عمران که قبلاً

اشاره شد، ناظر به پیش از شکل‌گیری جنگ است که دو طایفه از لشکر مسلمان با اعتماد به دشمن، از عزم بر حضور در نبرد سست شده بودند. در واقع این آیه شریفه در مورد بحبوحه جنگ صادر نشده و مربوط به عواملی است که دشمن برای سست‌نمودن قلب‌های مؤمنین تهیه دیده بود. با این وصف، در مورد آیاتی که ناظر به هنگام برپایی درگیری صادر شده‌اند، می‌توان گفت به پشتوانه عدم تخصیص معانی آیات به مورد صدور آنها و نیز با توجه به مناط واحد میان جنگ‌های سخت و نرم، به جنگ‌های نرم نیز تعمیم داده می‌شود. بلکه باید گفت استفاده از دستور به توکل به همراه بیان وجه اعتقادی لزوم توکل در منازعات نظامی، در حقیقت حاکی از توجه قرآن کریم به ابعاد روانی و اعتقادی در جنگ‌های نظامی و سخت است تا چه رسد به هنگامه‌ای که دشمن به طور مستقیم سست‌نمودن اراده‌های مؤمنین را نشانه رفته است و خبری از حضور نظامی و سخت او نیست. با این وصف، باید گفت مناط لزوم توکل در جنگی که به طور خاص بر تقابل اراده‌های دو طرف شکل گرفته است، پررنگ‌تر است و تعمیم معانی آیات در این استدلال از باب استناد به فحوی الخطاب خواهد بود. بر اساس این تعبیر، رابطه مفهومی واژگان توکل و اراده در شکل‌گیری معنایی که خدای متعال مؤمنین را منازعات و تقابلات بدان هدایت می‌کند، روشن می‌شود. مقام معظم رهبری (دام‌ظله) بدین معنا در بخش‌های مختلفی از مباحث خود اشاره نموده‌اند. از جمله ایشان در بحثی، جنگ حاضر میان جبهه اسلام و کفر را جنگی نامتقارن معرفی می‌کنند که در آن، اراده‌های انسان‌های دو طرف درگیری است که با هم می‌جنگند. ایشان از امکانات منحصر به فرد مؤمنین در این جنگ، توکل آنها به خدای متعال را نام می‌برند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵). این تبیین با توجه به آنچه شبکه روابط مفهومی واژگان اراده و توکل ذکر گردید، قابل فهم و تصدیق است. همان‌طور که ذکر گردید در آیات قرآنی بر وجه نرم منازعات اسلام و کفر توجه ویژه داشته و از میان زوایای مختلفی که در این جهت قابل بیان است، بر به کارگیری توکل در امور، مکرراً دستور داده است.

صبر

در بررسی آیات قرآنی با هدف جست‌وجوی معانی دارای روابط مفهومی هم‌نشینی با واژگان اراده در عرصه منازعات و تقابلات، باید به واژه صبر و مؤلفه‌های معنایی آن نیز پرداخت. صبر از معانی پرکاربرد قرآن کریم است. در لغت صبر؛ یعنی حبس؛ یعنی نگه‌داشتن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۹؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۳۱۲ و زمخشری، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص ۳۴۶)، این واژه را نقیض جزع معرفی کرده‌اند (صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۳۴). این ماده در بیش از ۹۰ آیه از قرآن کریم به کار رفته است. در مسأله مورد بحث، به دو دسته از استعمالات این واژه می‌توان تمسک جست. اول دسته‌ای از آیات است که به طور خاص در حین جنگ نظامی از کلیدواژه صبر استفاده نموده است. دوم دسته‌ای که به طور مطلق در برابر سختی‌ها و اذیت‌های دشمنان، صابرين را ستوده است.

نمونه دسته اول، آیاتی است که به بیان جنگ سربازان طالوت و جنود جالوت می‌پردازد. در آیه ۲۴۹ بقره کلامی از مؤمنانی که در لشکر طالوت بوده‌اند نقل شده است که آن‌ها گفته‌اند چه بسیار گروه اندکی که بر گروه پرشماری پیروز شوند: «كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». در این مقام، به جای آن‌که بگویند ما به اذن الله پیروز می‌شویم، بر شواهدی که دوران پیشین نیز رخ داده است تکیه کرده و گفته‌اند ممکن است گروه اندک ایشان نیز مثل موارد قبلی بر دشمنان کثیر پیروز شود. این تعبیر برای اقناع بیشتر در سایر افراد لشکر استفاده شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۹۳). بدین بیان، در نگاه آنان پشتوانه اصلی لطف خدای متعال است که البته با این بیان برای اقناع بیشتر ذکر گردیده است. با این وصف، به گمان نگارنده عبارت «وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» می‌تواند به مثابه علت و مایه پیروزی در نگاه ایشان استفاده شده باشد. به بیان ابن عاشور، با این طرز دید است که نهایتاً مؤمنین سپاه طالوت افراد لشکر خود را به آنچه مایه اصلی پیروزی و قدرت است، دعوت می‌کنند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۷۶). با این وصف، صبر از لوازم مهم پیروزی در جنگ سخت معرفی شده است. صبری که به پشتوانه ایمان به همراهی خدای متعال

با ایشان بر استقامت سربازان می‌افزاید. همان‌طور که در آیه بعد صحنه اولین رویارویی سربازان دو سپاه با دعای سربازان طالوت برای لبریز از صبر شدن تصویر می‌گردد. گویا بیان آیه چنین است که نفس انسان در این مواقع او را به طور طبیعی دچار خطای شناختی در ادراک و تصمیم می‌نماید، لذا باید او را حبس نمود و از تأثیر انداخت. در واقع نفس باعث می‌شود انسان قرار گرفتن در گروه قلیل را مایه شکست و خذلان خود ببیند و در پی آن، قدم‌های او سست شود. در این هنگامه خدای متعال به این‌که همراه با صابران است، تذکر می‌دهد تا انسان دچار خطای شناختی نگردد و بتواند بر تصمیم خود استوار باشد و در میدان سخت نبرد نلغزد. این نکته قرآنی با توجه به استعمال واژه صبر در آیه شریفه و در این بستر و دقت در معنای ذکر شده برای کلمه صبر قابل درک و توجیه است.

در تأیید و تکمیل نکات استفاده‌شده از آیه ۲۵۹ بقره در مسأله مورد بحث می‌توان به آیه ۱۴۶ سوره آل عمران که در نکات پیش‌گفته اشاره شد، استناد نمود. در این آیه در رابطه هم‌نشینی تقابل با سه کلیدواژه «وهن»، «ضعف» و «استکانت» قرار گرفته است. بیان آیه چنین است که ربیون شخصیت‌هایی هستند که دوشادوش انبیا جنگیده‌اند و این سه خصلت نازیبا را از خود بروز نداده‌اند و خدای متعال صابران را که در واقع ربیون نیز در این زمره‌اند، دوست دارد. استکانت را خضوع در برابر دشمن دانسته‌اند (ابن ملقن، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰۰). هم‌چنین معنای اظهار ضعف را نیز برای این واژه ذکر کرده‌اند (ابن هائم، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۳۱). در توضیح وهن که معنای لغوی آن ضعف و سستی است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۷۴)، از تعبیر ترس نیز استفاده شده است (محلّی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۱ و ابن ملقن، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰۰). در واقع قدر مشترک در توضیح هر سه واژه‌ای که در تقابل معنایی با صبر قرار گرفته‌اند، سستی و ضعف است. بعضی از مفسرین به این نکته تذکر داده‌اند که این آیه شریفه کنایه‌ای به رفتار مسلمان در روز احد است که به شایعه شهادت پیامبر گوش داده و از قتال منصرف شدند (فراء، ۱۹۸۰ق، ج ۱، ص ۲۳۷). این شأن نزول که توجه به شایعات دشمن را مذمت می‌کند و هم‌چنین تعبیر آیات حاکی از آن است که عبارات

مذکور در ستایش کسانی است که در هنگامه جنگ نظامی دچار خطای شناختی که از مهم‌ترین راهبردهای دشمن در جنگ اراده‌هاست، نمی‌شوند. ایشان در مقابل صبر پیشه می‌کنند؛ یعنی نفس خود را از وساوس باز داشته و بر طبق مفاد ایمان خود عمل کنند. دسته دوم آیاتی است که به طور مطلق در مقابل سختی‌ها و اذیت‌هایی که به مؤمنین می‌رسد، از واژه صبر استفاده شده است. نمونه این آیات، آیه ۱۸۶ سوره آل عمران است. خدای متعال در این آیه در مورد دار ابتلابودن دنیا و روبه‌روشدن با اذیت‌های متعدد مشرکان سخن گفته و راه‌گذر از این اوضاع را صبر و تقوا معرفی نموده است:

«وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛
 و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است.

اطلاق تعبیر آیه و نیز اشاره به تقابلی که میان مشرکان و مؤمنان دارد، کلیدواژه صبر را به عنوان یک راهبرد مهم در تنازعاتی که بین مسلمانان و مشرکان رخ می‌دهد، معرفی می‌کند. چه این‌که این تنازع از سنخ مقابله نظامی باشد و چه این‌که از سنخ جنگ نرم و جنگ اراده‌ها باشد.

بدین ترتیب، با توجه به استدلال‌ها و استنادهای ارائه‌شده که به اندازه حوصله نوشته پیش رو تنظیم گشته است، معلوم می‌گردد که در نگاه قرآن کریم صبر و حبس نفس از تخیلات غلط، از اصلی‌ترین راهبردهای توصیه‌شده به مؤمنین در تقابلات نرم برای دوری از سستی و ضعف در اراده‌هاست. به بیانی دیگر، نگه‌داشتن نفس از این‌که نسبت به آن‌چه اراده کرده است، منصرف نشود، از راهبردهای جدی در تقابلات مؤمنین و دشمنان است. در کلام مقام رهبری این معنا از صبر و نقش آن در جنگ اراده‌ها به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، ایشان در جمع مسؤولین نظام جمهوری اسلامی بیان می‌کنند که امروز در عرصه‌های گوناگون جهانی، درگیری‌ها از سنخ جنگ اراده‌هاست، هر طرفی که زودتر اراده‌اش به سستی گرایش پیدا کند، در این عرصه محکوم به شکست است. سپس ایشان می‌فرماید دستور قرآنی به صبر در این

عرصه بدین معناست که باید عزم و اراده را نگه‌داشت و آن را از عوامل تضعیف‌کننده حفظ نمود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). بدین ترتیب، می‌توان صبر را از راهبردهای کلیدی جامعه اسلامی در جنگ اراده‌ها دانست که در اعتقاد ایشان همراهی خداوند با مؤمنین و در نهایت پیروزی و غلبه بر دشمنان را به همراه دارد.

در کنار این کلیدواژه می‌توان به واژگان و عباراتی چون استقامت و ثبات قدم نیز اشاره نمود که آیات شریفه عنوان مکمل معنای واژه صبر با این واژه همراه شده‌اند یا این‌که در آیاتی با معانی نزدیک و مشابه به کار رفته‌اند. به عنوان نمونه، در بیان سرگذشت لشکر طالوت، دعای ایشان مبنی بر پرشدن از صبر با تعبیر استقامت نیز همراه شده است. در حقیقت این بیان روشن می‌کند که صبری که آن‌ها خواسته‌اند عافیت، رهاشدن از مشکل و گذران عمر تا حل خود به خودی قضایا نبوده است، بلکه تقویت روحیه و پایداری در امر خواسته ایشان بوده است.

آیات دیگری که در این جا می‌توان اشاره کرد، آیات ۱۶ جن: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَيَّ الطَّرِيقَةَ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا»؛ و این‌که اگر آن‌ها [جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم! و نیز آیات ۳۰ فصلت و ۱۳ احقاف است. در این آیات؛ اگرچه از واژه صبر استفاده نشده است، اما از محتوای صبر مطلوب در قرآن کریم و لازمه غیر مفارق آن؛ یعنی استقامت به عنوان راهبرد کامیابی و رهاشدن از ترس و حزن که از راهبردهای دشمن است، یاد شده است. این نکته در کلام مقام معظم رهبری نیز دیده می‌شود که از اساس در تبیین معنای صبر از معادل‌های فارسی کلیدواژه استقامت استفاده می‌کند. ایشان می‌فرمایند صبر؛ یعنی ایستادگی، پایداری، پافشاری (خامنه‌ای، ۱۳۹۲)، در واقع به نظر ایشان نیز با توجه به ملازمه دائمی میان صبر مطلوب در قرآن کریم و استقامت، از اساس صبر را به ایستادگی و پایداری معنا نموده‌اند. با این وصف، آیات مذکور نیز در نظام معنای قرآن کریم در کنار آیات، دستور به صبر و در رابطه مفهومی با تنازعات نرم در اراده و اندیشه‌ها قرار می‌گیرد. سنخ رابطه نیز همان‌طور که ذکر گردید، استفاده از این واژگان به عنوان راهبرد مقابله با شکل‌گیری خطای شناختی و سستی در اراده‌هاست.

ایمان

واژه ایمان از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم قرآن کریم است که شکل‌گیری معارف گوناگون قرآنی به عنوان عنصری فراگیر نقش ایفا می‌کند. ایمان از ریشه «أمن» است. ابن فارس این ریشه را دو اصل متقارب می‌داند که معنایی نزدیک دارند. یک معنا سکون قلب است و یک معنا تصدیق نمودن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۳). به نظر می‌رسد از همین جهت است که در کتب لغت توضیح واژه ایمان با اندکی اختلاف و بر اساس دو معنای مذکور صورت گرفته است. در مورد ایمان گفته‌اند که به معنای تسلیم بودن به همراه اطمینان خاطر است (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۲۴) یا گفته‌اند اصل در ایمان وارد شدن صدق است. اگر آنچه خدا خواسته است را در قلبش تصدیق کند، وارد عرصه ایمان شده است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۳۶۹).

از جمله موارد کاربرد این واژه، در بستر منازعات میان مؤمنین و کفار است. به عنوان نمونه، در آیات ۷ تا ۱۱ سوره محمد ﷺ خدای متعال به مؤمنین وعده پیروزی در برابر دشمنان می‌دهد و در نهایت در مقام تعلیل علت پشتیبانی را ولایت خود بر مؤمنین معرفی می‌کند؛ ولایتی که کافران از آن بی بهره‌اند. این از دو جهت می‌تواند در مسأله معناشناسی جنگ اراده در قرآن کریم مورد توجه قرار گیرد.

جهت اول این‌که در آیات قرآن دیده می‌شود که خدای متعال در موارد مختلف از جمله در آیات مذکور وعده پیروزی داده و آن را مشروط به مواردی چون ایمان و یاری کردن خدا برای مؤمنین تضمین نموده است. این نکته حاکی از توجه بسیار ویژه قرآن کریم به ابعاد روانی در جنگ‌ها و منازعات است. ایمان به مسأله که در صورت ایمان به خدا حتماً پیروزی حاصل می‌شود، مایه اصلی و راهبرد کلانی است که خدای متعال بر اساس آن، اذهان مؤمنین را در جنگ‌ها و درگیری‌ها سامان می‌دهد. به تعبیر دیگر، خدای متعال از مؤمنین خواسته است گزاره «ما مؤمن هستیم و خدا ولی ماست» را در محاسبات خود تأثیر داده و بر پایه این گزاره و محتواهای مشابه آن، تصمیمات خود را تنظیم کنند.

جهت دوم در مورد تأثیر این گزاره در اراده مؤمنین است یا در حقیقت در باره

تأثیری است که با ورود این گزاره در دستگاه محاسباتی عموم مؤمنین و سرپرستان جبهه اسلام حاصل می‌شود. مقام معظم رهبری در بیانات خود به نقش ایمان در پیشبرد امور نهضت اسلامی تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. به عنوان مثال، در یکی از بیانات، ایشان پس از ترسیم عرصه جنگ‌های امروز که عرصه جنگ اراده‌هاست، به نقطه قوت نظام اسلامی در این جنگ که عبارت باشد از حضور مردم و سینه‌های سپر شده ایشان در برابر دشمن، اشاره می‌کنند. نکته قابل استناد در این جایگاه علت و مایه‌ای است که سبب این حضور می‌شود. به بیان ایشان، مردم با موتور ایمان با انگیزه دینی، حماسه‌هایی را رقم زده‌اند که سبب دست بالای نظام اسلامی در عرصه منازعات نرم شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶). با این توضیحات و تمثیل ذکر شده از مقام معظم رهبری، جایگاه پایه‌ای و اساسی ایمان در منازعات نرم و سخت از نگاه قرآن ترسیم می‌شود. ادعا بر این است که ایمان کلیدواژه‌ای است که قرآن کریم بر گره قلبی مؤمنین بر اندیشه‌هایی بنیادین دلالت دارد. اعتقاداتی ثمربخش که در عرصه‌های مختلف از جمله در تقابلات تمدنی می‌تواند دست برتر مؤمنین را در حیطه‌های نرم این درگیری‌ها رقم زند. به طور روشنی همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، از همین ریشه‌های اعتقادی است که راهبردهای صبر و توکل شکل می‌گیرند و زمینه پیروزی را در عرصه نرم و سخت فراهم می‌آورند. به تعبیری می‌توان گفت توکل یا به وزان آن صبر، از نشانه‌های ایمان است که بدین معنا در آیه دوم سوره انفال اشاره شده است (همو، ۱۳۹۹، ص ۸۷).

ارتقَاب

«ارْتِقَاب» از «رَقَب» به معنای ایستادن برای مراعات و حفظ چیزی می‌باشد؛ «رَقَب» و «ارْتَقَب» به معنای انتظار است (ابن درید، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۹؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۶؛ مطرزی، بی‌تا، ص ۱۹۴ و زمخشری، بی‌تا، ص ۱۷۲) و در رقیب به معنای حافظ و نگهبان و نیز انتظار وجود دارد (طریحی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۷۲). چراکه رقیب در محلی که بر دیگران اشراف دارد، در انتظار نگهبانی است و برخی جمله «رَقَبْتُ الْفَجْرَ» را به معنای انتظار برای طلوع فجر و «تَرَقَّبَهُ» و «ارْتَقَبَهُ» را به معنای انتظار

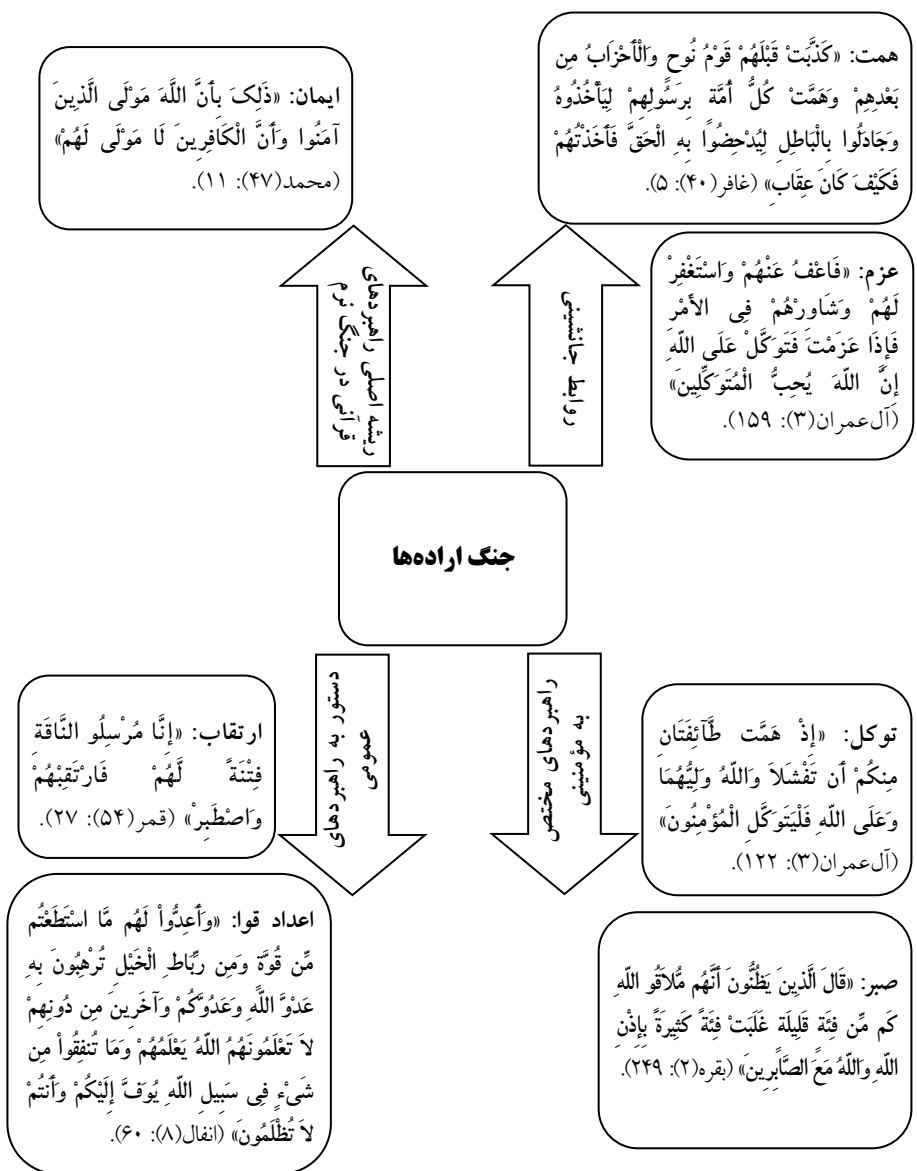
دانسته‌اند (همان). هم‌نشینی این واژه با واژه «اصطبر» در آیه ۲۷ سوره قمر که در حقیقت خود کلمه‌ای است که همراه و هم‌سو با واژه اراده مفهوم اولی جنگ اراده را می‌سازد، باعث شده است این معنا در این جایگاه ذکر شود. بعضی ارتقاب را در این آیه دستور به مراقبت و نگرهبانی ترجمه کرده‌اند (ترجمه فولادوند، الهی قمشه‌ای، ارفع، آیتی، مصباح‌زاده). بدین بیان، خدای متعال فرموده است حضرت صالح باید مراقب اعمال و رفتار ایشان می‌بوده است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۸۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۳۸ و ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق، ص ۳۷۱). بدین ترتیب، با توجه به آنچه در مورد جایگاه واژه صبر در معناشناسی جنگ اراده در قرآن کریم گفته شد و نیز با عنایت به معنای لغوی واژه ارتقاب، این نکته معلوم می‌شود که علاوه بر راهبرد صبر و استقامت، دیده‌بانی نسبت به عملکرد دشمن نیز مورد توجه قرآن کریم است.

اعداد (اعدوا...)

ریشه «عدد» به معنای شمردن است. ساخت متعدی این ریشه در وزن تفعیل به معنای ذخیره‌کردن و در وزن افعال در معنای جمع‌آوری و آماده‌کردن به کار رفته است (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۹۹). در آیه ۶۰ سوره انفال، خدای متعال به صراحت دستور به جمع‌آوری تجهیزات نظامی داده است. نکته جالب توجه و قابل استفاده در مسأله مورد بحث، تعلیلی است که در ذیل دستور مذکور مطرح شده است. در این آیه، علت جمع‌آوری تجهیزات تا سر حد توان، ترساندن دشمنان خدا معرفی شده است. در حقیقت یک نکته راهبردی در سست‌نمودن اراده دشمن و نیز در تقویت اراده جبهه حق، علت برای جمع‌آوری حداکثری تجهیزات شده است. پیش‌تر در ذیل توضیح آیه ۱۴۶ سوره آل عمران بیان گردید که خدای متعال ربیون را به خاطر عدم ترس از دشمن و در پی آن، عدم سستی می‌ستاید یا در آیه ۳۰ سوره فصلت راهبرد استقامت را برای دوری از خوف و حزن معرفی می‌کند. با این بیان معلوم می‌گردد همان‌طور که دشمن راهبرد ایجاد ترس نسبت به مؤمنین به کار می‌گیرد و در برابر آن به صبر و استقامت دستور داده می‌شود. دستور دیگر اعداد قواست که نه تنها ترس را از جبهه اسلام دور

می‌کند، بلکه به طور فعالانه ترس را به دل دشمن انداخته و سبب ضعف اراده ایشان می‌گردد.

در طرح گرافیکی پیش رو، مفاهیم قرآنی جنگ اراده‌ها در نقطه کانونی حوزه معنایی قرار گرفته است و آیاتی که در این پژوهش مطرح است، حول محور آن تنظیم شده است.



نتیجه گیری

از نکات پیش گفته نتایج پیش رو به دست می آید:

۱. قرآن کریم به ساحت‌های نرم جنگ‌ها توجه ویژه‌ای داشته است و در غالب موارد، سخنی از تنازع یا تقابلی میان جبهه اسلام و کفر یا نفاق به میان آمد، ابعاد نرم این تقابل مد نظر قرآن کریم بوده است. بلکه می‌توان از این نکته ترقی نمود و گفت در نظر قرآن کریم اهمیت ابعاد نرم و نقش اراده انسان‌ها در غلبه بر دشمن از ابعاد سخت بیش‌تر است. نکته جالب توجه این است که حتی در موردی که بحث از اعداد تجهیزات سخت نظامی است، قرآن کریم بدون آن که علت این دستور را به عنوان مثال گرفتن تلفات بیش‌تر از دشمن یا غلبه بر تجهیزات آن‌ها بیان کند، تعلیل آن را در ایجاد ترس و بالتبع محاسبه غلط و شکستن توان ایستادگی آن‌ها از این طریق بیان می‌کند.
۲. در نقطه کانونی پیروزی جبهه اسلام در جنگ اراده‌هاست. به نظر می‌رسد قرآن کریم تأکید ویژه‌ای بر ایمان به وعده‌های الهی و توجه به این نکته در سخت‌ترین شرایط منازعات دارد. تأکید ویژه بر عنوان ایمان در شرایط تحقق نصرت الهی و سرپرستی خدای متعال در آیات مختلف از جمله در آیه ۱۱ سوره محمد دلیل مشخصی بر این مدعاست. این نکته در کنار توجه به اندیشه‌های اعتقادی در مواردی که سایر راهبردهای پیروزی در قرآن کریم توضیح داده می‌شود، محقق را بدین نتیجه می‌رساند که توجه قرآن کریم بر ساحت ایمان و گره قلبی نسبت به اعتقادات پیروزی‌بخش است.
۳. مواردی چون صبر، توکل، اعداد قوا و ارتقاب، واژگانی هستند که در بستر منازعات جبهه اسلام و کفر و به عنوان رمز پیروزی مورد تأکید قرآن کریم قرار گرفته است. به خصوص در این باره واژگان صبر و توکل مورد توجه ویژه قرآن هستند و بر پایه ایمان به وعده‌های الهی به این دو امر دستور داده شده است. در این نگاه، توکل از امکانات منحصر به فرد جبهه اسلام برای استواری اراده‌هاست و به معنای سپردن نتایج به خدای متعال پس از انجام وظایف است. صبر گرچه منحصر به جبهه اسلام نیست، اما بر پایه معتقدات اسلامی، پشتوانه و تضمینی که مخصوص مؤمنین است، پیدا می‌کند. صبر به معنای نگه‌داشتن نفس در برابر دچار شدن به خطای محاسباتی و

از دست دادن توان مقاومت و ایستایی است. تعبیر اعداد قوا نیز در قرآن کریم با کارکردی در ساحت جنگ نرم و استواری اراده‌ها مطرح شده است. راهبردی فعالانه در این عرصه که به جنگ اراده‌های دشمن می‌رود، به دنبال ایجاد خطای محاسبه و تضعیف قوای روانی دشمن است. در این باره خدای متعال به مؤمنین دستور داده است تا اندازه‌ای که مقدور است، تجهیزات لازم جنگی را آماده نمایند تا از این طریق واهمه به قلب دشمن افکنده شود. راهبرد دیگر که در کنار دستور قرآن کریم ذکر شده، ارتقاب است. ارتقاب را می‌توان به دیدبانی و نگهبانی معنا نمود. مطابق این دستور، در جبهه اسلام باید سازوکاری برای رصد فعالیت‌های دشمن و پایش وضعیت جبهه‌ها؛ چه در عرصه نرم و چه در عرصه سخت وجود داشته باشد. در واقع می‌توان این دستور را مکمل و تذکری برای دستور به صبر دانست. تذکر قرآن بدین صورت است که در عین صبر شدید، ایستایی و توقف معنا ندارد و باید به رصد اوضاع دشمن پرداخت.

۴. در بررسی روابط جانشینی واژگان اراده در قرآن کریم، به دو واژه عزم و همت پرداخته شد و در این باره بیان گردید که عمدتاً در ادبیات قرآن برای استفاده از اراده استوار و تصمیم جلدی از واژه عزم استفاده گردیده است و این در بستر بیان تصمیمات حاکمیتی پیامبر و اوضاع جنگی میان اسلام و کفر معنا و مصداق پیدا کرده است. در باره واژه همت باید گفت علی‌رغم تصور رایج از این واژه، در زبان فارسی این کلمه در مورد اراده‌های سوء به کار رفته است. بالطبع می‌توان گفت استفاده از آن در تبیین نگاه قرآنی و دینی از جنگ اراده‌ها و عرصه‌های نرم نبرد مرجوح است.

یادداشت‌ها

- 1. Soft war.
- 2. Collins John.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

- ۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، قم: آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- ۲. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، محقق: رمزی بعلبکی، ج ۲، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۱ق.

۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، **محکم و المحيط الأعظم**، ج ۷ و ۸، بیروت: دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر، **تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور**، ج ۲، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، ج ۱ و ۳، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن ملقن، عمر بن علی، **تفسیر غریب القرآن**، ج ۱، بیروت: عالم الكتاب، چ ۱، ۱۴۰۸ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ج ۳ و ۱۲، بیروت: دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ق.
۸. ابن هائم، احمد بن محمد، **التبیان فی تفسیر غریب القرآن**، ج ۱، بیروت: دارالغرب الإسلامی، چ ۱، ۴۲۳ق.
۹. ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله، **تفسیر ابن ابی زمنین**، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چ ۱، ۱۴۲۴ق.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، ج ۱۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۲۱ق.
۱۱. انگوتی، محمدرضا، **جنگ نرم و جنگ اراده‌ها**، تهران: انتشارات خانه تاریخ و تصویر بریشمی، ۱۳۹۶.
۱۲. باقری، مهری، **مقدمات زبان‌شناسی**، تبریز: دانشگاه تبریز، چ ۳، ۱۳۷۴.
۱۳. بنادکی، مهدی، **دکتر شعیری از معنی‌شناسی و معناشناسی سخن می‌گوید...**، ۱۳۸۷: <http://linguist87.blogfa.com/post/324>
۱۴. بی‌یرویش، مانفرد، **زبان‌شناسی جدید**، مترجم: محمدرضا باطنی، تهران: نشر آگاه، چ ۴، ۱۳۷۴.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)**، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۶. حسینی، سیدابوالقاسم، **بر بال قلم چهل درس در قلمرو ادب پارسی و آیین نگارش**، تهران: نشر ظفر، چ ۶، ۱۳۸۴.
۱۷. حسینی، سیدحسین و علوی وفا، حمید، «سلطه رسانه‌ای و جنگ نرم»، **نشریه پاسداری فرهنگی انقلابی اسلامی**، ش ۵، ۱۳۹۱.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها**، ۱۳۸۶: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3385>

۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار شاعران، ۱۳۹۵:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33557>
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار مسئولین نظام اسلامی، ۱۳۹۲:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23175>
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات ایمان جهادی، ۱۳۹۹.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، بیروت: دارالقلم، چ ۱، ۱۴۱۲ق.
۲۳. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغة، ج ۱، بیروت: دار صادر، چ ۱، ۱۹۷۹م.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۴، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغة، تحقیق: عبدالرحیم محمود، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۶. سجستانی، ابوبکر، غریب القرآن، تحقیق: محمد ادیب، قاهره: دار فتنیه، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
۲۷. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۸، بیروت: عالم الکتب، چ ۱، ۱۴۱۴ق.
۲۸. صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر، چ ۶، ۱۳۹۷.
۲۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۳۹۰ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۹، بیروت: دارالمعرفة، چ ۲، ۱۴۰۸ق.
۳۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: محمدکاظم طریحی، ج ۲، بیروت: دارالاضواء، چ ۲، ۱۴۰۶ق.
۳۲. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، ج ۱، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، چ ۲، ۱۹۸۰م.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۱ و ۸، قم: نشر هجرت، چ ۲، ۱۴۰۹ق.
۳۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۱ و ۲، قم: مؤسسه دارالهجرة، چ ۲، ۱۴۱۴ق.
۳۶. قائمی‌نیا، علیرضا، معناشناسی (۱)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.
۳۷. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۱ و ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چ ۱، ۱۳۷۱.
۳۸. محلی، محمد بن احمد، تفسیر الجلالین، ج ۱، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
۳۹. مطرزی، ابوالفتح ناصر بن عبدالسید، المغرب فی ترتیب المعرب، بیروت: دارالکتب العربیة، بی‌تا.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۱، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چ ۱۰، ۱۳۷۱.